

بررسی شیوه‌های طبقه‌بندی داده‌های آسیب‌شناسی

هدف از طبقه‌بندی

برای دستیابی به یک روش و شیوه مناسب در طبقه‌بندی اطلاعات، آنچه گام اول به شمار می‌رود، دانستن اهداف و اغراضی است که بر طبقه‌بندی مترتب است؛ دستاوردهایی که یک طبقه‌بندی خوب تأمین می‌نماید. از توجه به هدف‌های مطلوب از طبقه‌بندی اطلاعات، می‌توان بهترین راه را گزینش نمود.

سهولت دسترسی

نخستین غرضی که ما را به سوی طبقه‌بندی اطلاعات سوق می‌دهد، تسریع و تسهیل در دستیابی به اطلاعات است. ما از جمع‌آوری اطلاعات این هدف را دنبال می‌کنیم که در مواقع لزوم و هنگام نیاز، بتوانیم به سریع‌تری روش ممکن داده و اطلاعات مورد نظرمان را بیابیم.

طبقه‌بندی راهی را در اختیار ما قرار می‌دهد که بدون نیاز به بازبینی تمامی عناوین، به اطلاعات مطلوب دست پیدا کنیم.

ارزیابی داده‌ها

هنگامی که اطلاعات طبقه‌بندی می‌شوند، هر داده در کنار سایر داده‌هایی قرار می‌گیرد که از سنخ اویند. در کنار هم قرار دادن داده‌های هم‌سنخ و هم‌سو تأثیر مهمی در ارزیابی و بررسی اطلاعات از طریق سنجش و مقایسه آنان دارد. هنگامی که سه خبر از یک حادثه در کنار هم قرار بگیرند، اعتبارسنجی و ارزیابی صحت و دقت آنان ممکن می‌شود.

یافتن خلاها

دسته‌بندی اطلاعات نحوه پراکندگی آن‌ها را نیز به ما نشان می‌دهد. وقتی داده‌ها در رده‌ها و گروه‌هایی طبقه‌بندی می‌شوند، آمار کمی و کیفی اطلاعات هر گروه این قدرت را به ما می‌دهد، تا به کمبودهایی اطلاعاتی پی ببریم.

این‌که در یک طبقه داده کمتری قرار دارد، هم از نظر کمی و همچنین از نظر کیفیت و ارزش اعتباری اطلاعات، می‌تواند راهنمای خوبی برای سفارش تولید و جمع‌آوری اطلاعات باشد.

ارتقاء تفاهم

معمولاً در طبقه‌بندی تلاش بر این است که از «اصطلاحات رایج و مشترک» استفاده شود. عناوین طبقه‌ها هنگامی که به واژگان پرکاربرد بدل می‌گردند، قدرت تفاهم پژوهشگران و نهادهای پژوهشی با یکدیگر را فراهم می‌کند.

دو مرکز و نهاد در سنجش داده‌های خود، در یک موضوع خاص، با عناوین مشترکی که برای رده‌های اطلاعاتی در نظر گرفته‌اند، بسیار ساده‌تر می‌توانند اطلاعات خود را در اختیار یکدیگر نهاده، همکاری و مشارکت علمی نمایند.

شیوه‌های طبقه‌بندی

طبقه‌بندی تنها نیاز اخیر ما در نظم دادن به اطلاعات نیست. از گذشته‌های دور بشر برای ساماندهی داده‌ها به سراغ دسته‌بندی اطلاعات رفته است و شیوه‌هایی را ابداع نموده.

خطی

نخستین شیوه‌ای که از گذشته برای طبقه‌بندی اطلاعات به کار می‌رفته است، استفاده از عناوینی هم‌عرض در دسته‌بندی بوده است.

به عنوان مثال: تمام کتاب‌های یک کتابخانه در قفسه‌هایی توزیع می‌شده که هر کدام یک عنوان مستقل داشته‌اند؛ تاریخ، جغرافیا، مذهبی، فلسفی و....

عام و خاص

تدریجاً و با گسترش حجم داده‌ها در هر طبقه، این نیاز شدت یافته که داده‌های ذیل هر عنوان نیز به صورت مستقل دسته‌بندی شوند. بدین ترتیب عناوین به دو دسته عام و خاص تقسیم گشته‌اند.

به عنوان نمونه: ذیل عنوان اصلی تاریخ عناوینی خردتر مانند: تاریخ ایران، تاریخ جهان، تاریخ یونان و... به فراخور داده‌های موجود ایجاد شده است.

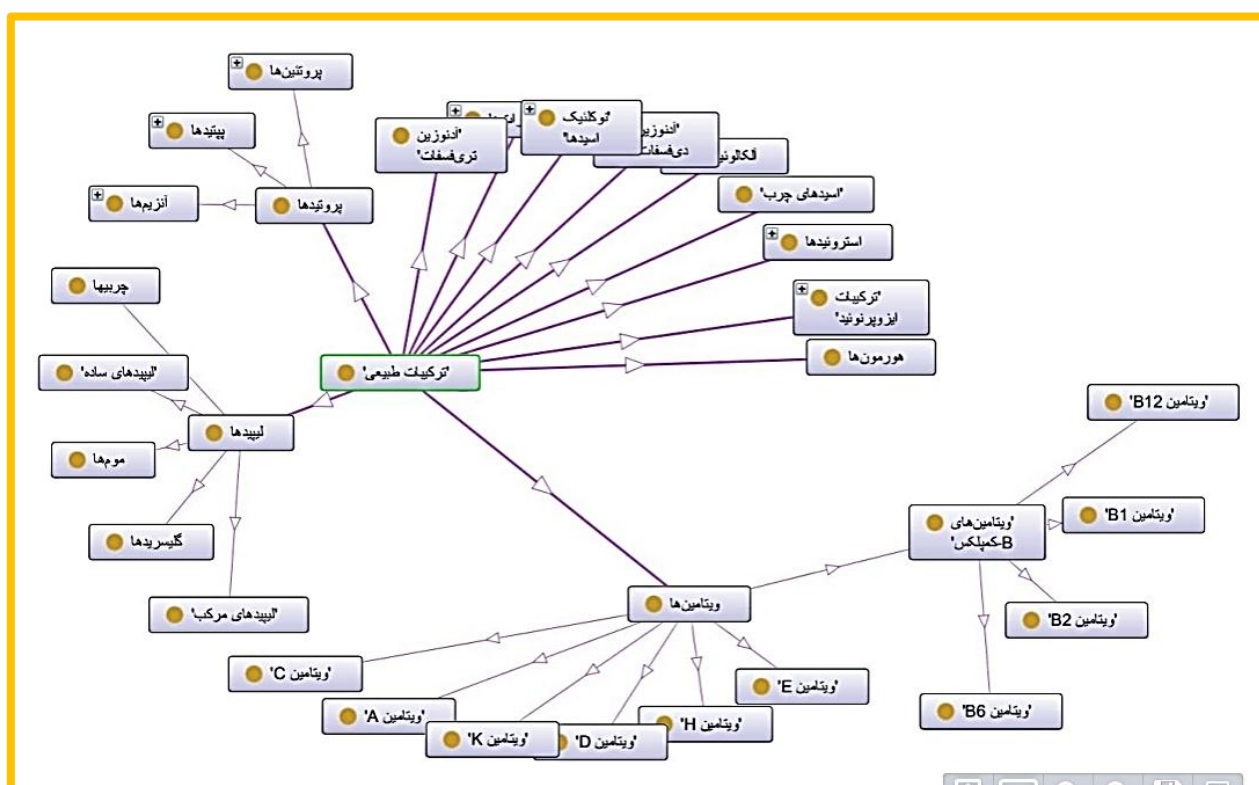
درختواره‌ای

با توسعه عناوین عام و خاص، این ضرورت پیدا شد که تقسیم و دسته‌بندی اطلاعات تا سطوح بسیار جزئی‌تری نیز ادامه یابد. در این مرحله است که عنوان «درختواره» به طبقه‌بندی‌ها متصف می‌شود. این شیوه نه تنها در کتابخانه‌ها که حتی در فهرست کتاب‌ها نیز به کار گرفته شده و می‌شود. رده‌بندی‌هایی مانند دیوئی و کنگره از این سنخ دسته‌بندی‌ها هستند.



در سال‌های اخیر و با رشد استفاده از رایانه در ذخیره‌سازی اطلاعات، شیوه‌ای جدید در طبقه‌بندی اطلاعات ابداع شد که عناوین رده‌های داده‌ها را در قالب یک شبکه به یکدیگر مرتبط می‌نماید.

بنا بر نظریه‌ای که استفاده از این شیوه ارتباطی را در نظم دادن به اطلاعات پیشنهاد می‌نماید، دلیل درختواره‌ای بودن روش‌های فعلی، ناتوانی فضای دوبعدی در ترسیم روابط شبکه‌ای داده‌هاست. تا کنون محدودیت‌های چاپ و نشر ما را ناگزیر می‌نمود تا عناوین را در قالب طبقه‌های درختی نظم دهیم. اما در محیط رایانه می‌توان دو دست‌آورد جدید در تنظیم روابط میان عناوین داشت: **①** نخست این‌که روابط می‌توانند در هر سمتی گسترش یافته و از هر شاخه به شاخه دیگر معطوف شوند و **②** دیگر این‌که هر رابطه می‌تواند با یک برچسب و به کمک فلشی که جهت ارتباط را می‌نمایاند توصیف شود.



محورهای طبقه‌بندی

فارغ از این که نحوه نظم دادن اصطلاحات و عناوین طبقه‌بندی چگونه باشد؛ خطی، درختی یا شبکه‌ای، مبنا و محوری که بر اساس آن تقسیم و دسته‌بندی اطلاعات صورت می‌پذیرد می‌تواند متفاوت باشد.

موضوع محاور

رایج‌ترین محوری که برای طبقه‌بندی اطلاعات از دیرباز به کار گرفته شده و می‌شود، موضوع است. تقسیم داده‌ها بر اساس مثلاً: آن‌هایی که در موضوع تاریخ باشند، در موضوع جغرافیا و یا موضوع‌شان مذهبی‌ست.

معمولاً به دلیل این که نیاز ما به اطلاعات در برخورد با موضوعات پدید می آید، این شیوه بیشتر مورد استفاده قرار می گیرد.

مخاطب محور

در نهادهایی که فعالیت‌های‌شان بیشتر معطوف به تبلیغ یا ارتباط با مخاطب است، دسته‌بندی اطلاعات بر اساس مخاطب نیز پرکاربرد است. براساس رده سنی، مانند: داده‌های مفید برای کودکان، نوجوانان و... یا بر اساس شغل و تخصص و حرفه، مانند: داده‌های مورد نیاز برای رانندگان، کارمندان و... .

قالب محور

اگر فرمت داده اهمیت پیدا نماید، مثلاً در آرشیوهای بزرگ از اطلاعات ناهمجنس، قالب نگهداری اطلاعات می‌تواند روشی برای دسته‌بندی باشد. مانند: اطلاعات تصویری، نقشه‌ها، ویدئویی، کتاب‌ها، مقاله‌ها، نوارهای صوتی، نقاشی‌ها و... .

مسئله محور

اطلاعات را همچنین می‌توان بر اساس «مسئله» نیز دسته‌بندی کرد. معمولاً نهادهایی که وظیفه آنان بررسی مسائل و معضلات اجتماعی و رصد آن‌هاست با داده‌هایی سر و کار دارند که در قالب‌های مختلف (فیلم، صوت، متن و...) و در موضوعات متفاوت (آموزشی، تربیتی، پزشکی، بهداشتی، تاریخی و...) جمع‌آوری می‌گردند. اما آن‌چه این داده‌ها را معنادار می‌نماید «مسئله» ایست که آن‌ها را با هم مرتبط می‌نماید، مانند: اعتیاد، طلاق، اختلاس و... .

در این موارد، جهت سهولت دسترسی به اطلاعات و رسیدن به تمام اهدافی که یک طبقه‌بندی خوب می‌تواند حاصل نماید، طبقه‌بندی مسئله محور می‌تواند بهترین گزینه باشد.

کارکرد محور

اگر استفاده از اطلاعات در یک مسیر مشخص و معین مهم‌ترین نیاز یک مجموعه باشد، ممکن است ترجیح دهد اطلاعات را بر اساس کارکرد و کارویژه آن‌ها طبقه‌بندی نماید.

در این وضعیت، مثلاً داده‌هایی که برای تبلیغ مناسب هستند جدا از داده‌ها و اطلاعاتی در نظر گرفته می‌شوند که بیشتر کاربرد آموزشی دارند. منابع مناسب برای پژوهش نیز، از هر سنخ و قالب و فرمتی که باشند، یا در هر موضوعی، در یک رده دیگر و در ذیل عنوان «منابع پژوهشی» دسته‌بندی می‌گردند.

جزء محور

یک سازمان می‌تواند در دسته‌بندی اطلاعات خود، برای تسهیل در دسترسی به اطلاعات، اجزاء و عناصر سازمان را محور طبقه‌بندی اطلاعات قرار دهد.

تفکیک داده‌های مالی، از داده‌های ستادی و دبیرخانه‌ای و اطلاعات مشتریان و قرار دادن اطلاعات مربوط به هر باکس از چارت سازمانی در یک مقوله متفاوت، یک نگرش رایج در طبقه‌بندی اطلاعات سازمانیست.

توصیف محور

در حالات خاص و در طبقه‌بندی‌هایی که برای استفاده‌های ویژه طراحی می‌گردند، ویژگی‌ها و خواص اشیائی که داده‌ها برای توصیف آن ویژگی‌ها جمع‌آوری شده‌اند، یا ویژگی‌هایی که خود اطلاعات دارند، می‌تواند محور دسته‌بندی قرار گیرد.

به عنوان مثال: یک مؤسسه تاریخ‌پژوهی می‌تواند اطلاعات را بر اساس «میزان اعتبار و ارزش واقع‌نمایی» دسته‌بندی کند، یا بر اساس «جنس اشیاء باستانی کشف شده در هر دوره تاریخی» و یا در دانش متالوژی، اطلاعات عناصر فلزی و آلیاژهای مورد استفاده را بر اساس نرمی و سختی و سایر خصوصیات ماده خارجی دسته‌بندی کند.

مسیر طبقه‌بندی

از پایین به بالا

معمولاً مسیری که یک فرد یا گروه طی می‌نماید تا مجموعه‌ای از اطلاعات را طبقه‌بندی نماید، از مواجهه با حجم اطلاعات آغاز می‌شود.

در گام‌های نخست غربال‌گری‌های اولیه‌ای صورت می‌گیرد و بر اساس مشاهده داده‌ها، فهرستی خُرد از عناوین طبقه‌ها فراهم می‌گردد.

سپس این فهرست از عناوین که در گام نخست به صورت خطی و بدون سلسله‌مراتب است، وجه اشتراک‌گیری شده و در دسته‌های فوقانی جای گرفته و عنوان‌های عام‌تری تولید می‌شود.

مسیر اشتراک‌گیری آن‌قدر ادامه می‌یابد تا سرشاخه‌ها یا عناوین اصلی طبقه‌بندی اطلاعات به دست آید. در این حالت مسیر طبقه‌بندی از پایین و انتهای شاخه‌های طبقه‌بندی آغاز شده و در انتها به شاخه‌های اصلی ختم می‌گردد.

از بالا به پایین

اما در داده‌هایی که جنبه منطقی و فلسفی بودن آن‌ها قوی‌تر است و یک نگرش پیشینی در تبیین گستره اطلاعات قابل فرض باشد، کارشناسان ترجیح می‌دهند ابتدا سرشاخه‌ها را تولید نمایند، تا نظم منطقی و قدرت ارتباط علمی عناوین را بهتر نمایش دهند.

مثال مناسبی برای نشان دادن این مسیر در تولید طبقه‌بندی می‌تواند تقسیم علوم باشد، به این‌که کارشناس مربوطه معتقد می‌شود: علوم یا توصیف‌گر انسان هستند یا غیر انسان. علوم غیر انسانی یا متوجه موجودات زنده هستند یا غیر زنده. علوم انسانی نیز یا متوجه بدن است، یا روح و روان وی، یا اعتقادات و باورهای او.

با طی این مسیر ثنائی یا استقرایی، طبقه‌بندی‌ای مشابه این شکل می‌گیرد: علوم طبیعی، علوم انسانی، علوم مهندسی و... .

موضوع این طبقه‌بندی

این نگاره به طور خاص برای ارائه یک پیشنهاد مشخص برای طبقه‌بندی اطلاعات یک نهاد خاص طراحی شده است و آنچه تا کنون بیان شده، به عنوان مقدمه، تنها به هدف آشناسازی مخاطب با مفاهیم طبقه‌بندی اطلاعات بوده.

موضوعی که برای طبقه‌بندی اطلاعات آن قصد ارائه پیشنهاد داریم، «آسیب‌شناسی حوزه علمیه» است. هدف ما دقیقاً پیشنهاد یک راه‌حل مناسب برای دسته‌بندی اطلاعاتی است که ما را در آسیب‌شناسی بهتر حوزه یاری می‌رسانند.

شیوه پیشنهادی

بنا بر موضوع مورد نظر و با توجه به مقدماتی که ذکر شد، پیشنهاد ما این‌چنین گزینش شده است:

انتخاب مسیر

ما با یک علم مشخص و خاصّ مواجه نیستیم که با تقسیم ثنائی یا استقرایی بتوان گستره آن را به سرعت یافت و محصور کرد. وسعت موضوع مورد نظر، ما را ناگزیر می‌نماید که گام به گام و با بررسی داده‌های در اختیار و جمع‌آوری شده به طبقه‌بندی خود دست یابیم.

با توجه به این نکته کلیدی، بهترین پیشنهاد برای تعیین مسیر دستیابی به نظام طبقه‌بندی اطلاعات، حرکت از پایین به بالاست.

این مطلب بدان معناست که ما باید ابتدا تمامی داده‌ها و اطلاعات موجود را عنوان‌گذاری نموده و برای آن‌ها نمایه و برچسب بسازیم، سپس با سنجش و تحلیل این نمایه‌ها، نظام ارتباطی عناوین طبقه‌بندی را مشخص کنیم.

محورهای متعدّد

با توجه به کاربردهای متنوعی که بر داده‌های «آسیب‌شناسی» مترتب است، انتخاب تنها یک محور برای طبقه‌بندی اطلاعات گزینه مناسبی برای ما به نظر نمی‌رسد.

هر داده آسیب‌شناسی می‌تواند به یک یا چند مخاطب خاصّ و با موضوعی متفاوت و متمایز مرتبط باشد. می‌تواند کارکرد ویژه‌ای داشته باشد و در قالب یا فرمتی معین قابل استفاده و دستیابی باشد. در محتوای ما، کتاب و مقاله استفاده‌های مختلفی دارند و هر مطلب به جزء خاصی از سازمان حوزه مرتبط است.

اهتمام به محورهای گوناگون اطلاعات، ما را بر آن می‌دارد که پیشنهاد تولید رده‌های متعدّد را ارائه نماییم. یک‌بار تمام داده‌ها را بر اساس موضوع، بار دیگر مخاطب، یک‌بار بر اساس اجزاء سازمان حوزه، مبنی بر مسأله‌شناسی و... نظم دهیم.

در این شرایط، هنگام استفاده از اطلاعات می‌توان با فیلتر کردن داده‌ها بر اساس رده‌های ذکر شده، دسترسی دقیق‌تر و سریع‌تری به داده‌ها داشت. مثلاً: استخراج اطلاعات مربوط به «امور مدارس» حوزه در موضوع «آموزش» که مخاطب آن «طلاب پایه اول و دوم» باشند!

درختواره‌ای

از بین شیوه‌های طبقه‌بندی اطلاعات نیز، با توجه به شرایط فعلی نهاد مورد نظر، به نظر می‌رسد طبقه‌بندی درختواره‌ای کارآمدترین روش باشد. زیرا ما در نهایت داده‌ها را ناگزیر خواهیم بود به صورت مکتوب در اختیار نهادهای مطالبه‌کننده قرار دهیم و ترسیم فضای شبکه‌ای «هستان‌نگاری» هم از نظر ذهنی و هم از نظر عملیاتی برای کارفرمای پروژه، کار آسان و سهل‌الوصولی نیست.

در نهایت

برای تحقّق این پیشنهاد؛ ① باید تک‌تک داده‌ها بررسی شده و با «برچسب»‌هایی توصیف شوند. سنخ این برچسب‌ها بر اساس محورهای انتخابی گزینش می‌شود. ② تمامی برچسب‌ها در یک پروژه مستقل تحلیل شده و به نظام درختی بدل می‌گردند. ③ برای یکسان‌سازی، عناوین به اصطلاحات رایج تبدیل می‌گردند و در قالب چند درختواره عرضه می‌شوند.

سیدمهدی موسوی موشح

۱۲ شوال المکرم سنة ۱۴۳۶ - قم المقدسة